برزن چیست؟ تفاوت برزن، محله، کوی و منطقه در شهر ایرانی

۷ شهریور ۱۴۰۵ ▯ سکرو

ما فقط یک کلمه را فراموش نکردیم.گاهی با کم‌رنگ شدن یک واژه، بخشی از شیوه دیدن شهر هم کم‌رنگ می‌شود.
«برزن» از آن واژه‌هاست؛ واژه‌ای که هنوز در زبان فارسی رد آن را می‌بینیم، به‌ویژه در ترکیب‌هایی مثل «کوی و برزن».
اما وقتی بخواهیم آن را با زبان شهرسازی امروز توضیح دهیم، کار ساده نیست.برزن یعنی محله؟
یعنی کوی؟
یعنی بخشی از شهر؟
یا همان چیزی است که امروز به آن منطقه شهری یا District می‌گوییم؟پاسخ کوتاه این است: نه به این سادگی.در منابع فارسی، «برزن» برای مفاهیمی نزدیک به کوچه، کوی، محله و بخشی از شهر به کار رفته است.
در برخی کاربردهای تاریخی، با فضای زندگی شهری پیوند دارد.
در دوره‌ای از تاریخ معاصر نیز برای تقسیمات رسمی شهری به کار رفته است.
همین دامنه معنایی نشان می‌دهد که با واژه‌ای ساده و تک‌معنا روبه‌رو نیستیم.
بنابراین نمی‌توان برزن را بی‌احتیاط برابر با «منطقه» گذاشت.
همان‌طور که نباید آن را در همه دوره‌ها دقیقاً برابر با «محله» دانست.
برزن یک واژه تاریخی است؛ واژه‌ای که باید در متن تاریخی، زبانی و شهری خودش خوانده شود.

اما ارزش این واژه فقط در بحث لغت نیست.
برزن ما را به یک پرسش مهم‌تر می‌برد:

مردم شهر را در چه مقیاسی زندگی می‌کنند؟

نه فقط مقیاسی که روی نقشه اداری دیده می‌شود.
نه فقط مرز منطقه و ناحیه و زون.
بلکه مقیاسی که با رفت‌وآمد روزانه، همسایگی، خرید، گذر، خاطره، آب‌انبار، بازارچه، حمام، میدانگاه و مسیرهای آشنا ساخته می‌شود.

شاید برزن برای شهر امروز، بیش از آنکه یک پاسخ آماده باشد، یک پرسش باشد.

برزن یعنی چه؟

برزن را باید از چند زاویه خواند.

در ساده‌ترین سطح، برزن واژه‌ای فارسی برای بخشی از فضای شهری است.

در فرهنگ‌ها، آن را نزدیک به کوچه، کوی، محله یا بخشی از شهر توضیح داده‌اند.
همین هم‌نشینی با واژه‌هایی مانند کوی و محله نشان می‌دهد که برزن به زندگی شهری و بخش‌های قابل‌شناخت شهر مربوط بوده است.

اما همین‌جا باید مراقب باشیم.

وقتی یک فرهنگ لغت می‌گوید برزن یعنی کوچه یا محله، هنوز نمی‌توانیم از آن نتیجه بگیریم که برزن همیشه در نظام شهری ایران یک جایگاه ثابت و روشن داشته است؛
مثلاً همیشه میان «شهر» و «محله» قرار می‌گرفته، یا همیشه یک واحد مشخص اداری بوده است.

برزن در برخی کاربردها به بخشی از شهر نزدیک می‌شود.
در برخی متن‌ها کنار کوی می‌آید.
در بعضی خوانش‌ها به محله نزدیک است.
در دوره‌ای نیز وارد زبان تقسیمات رسمی شهری شده است.

پس اگر بخواهیم دقیق بنویسیم، باید بگوییم:

> برزن واژه‌ای تاریخی در زبان فارسی و شهر ایرانی است که برای بخش‌هایی از شهر، کوی، محله یا گذر به کار رفته، اما معنای آن در همه دوره‌ها و همه متن‌ها ثابت نمانده است.

این جمله شاید به اندازه «برزن یعنی منطقه» سریع و ساده نباشد، اما درست‌تر است.
در مقاله سکرو، هدف فقط پیدا کردن یک معادل امروزی برای برزن نیست.
هدف این است که ببینیم این واژه چگونه ما را به فهم دقیق‌تری از شهر ایرانی می‌رساند.

برزن در منابع فارسی به کوی، محله، گذر یا بخشی از شهر نزدیک شده، اما معنای آن همیشه ثابت نبوده است.

برزن همان منطقه شهری است؟

این پرسش جذاب است، چون در نگاه اول جوابش آسان به نظر می‌رسد.

امروز در شهرهای بزرگ، با منطقه‌های شهری سروکار داریم.
منطقه ۱، منطقه ۲، منطقه ۳ و مانند آن.
منطقه شهری معمولاً مرزی اداری دارد.
شهرداری، خدمات، بودجه، برنامه‌ریزی، تراکم، پروژه‌های عمرانی و مدیریت شهری با این مرزها کار می‌کنند.

در زبان انگلیسی هم District می‌تواند به واحدی اداری در شهر اشاره کند.
پس وسوسه می‌شویم بگوییم:

برزن = District

اما مشکل از همین‌جا شروع می‌شود.

شباهت روی نقشه، همیشه به معنای شباهت در زندگی شهر نیست.

منطقه شهری امروز بیشتر با مدیریت شهر تعریف می‌شود.
اما برزن در کاربردهای تاریخی خود الزاماً همیشه یک مرز اداری دقیق نبوده است.
گاهی به بخشی از شهر نزدیک شده، گاهی با محله و کوی هم‌نشین شده، گاهی در متن ادبی آمده، و در دوره‌ای هم وارد تقسیمات رسمی شهری شده است.

پس پاسخ درست‌تر این است:

> برزن در بعضی کاربردهای جدیدتر می‌تواند به «منطقه شهری» نزدیک شود، اما در کل تاریخ واژه، معادل یک‌به‌یک و همیشگی District نیست.

این فرق کوچک، اهمیت زیادی دارد.
چون وقتی برزن را فقط «منطقه» ترجمه کنیم، بخشی از زندگی تاریخی واژه را از دست می‌دهیم.
انگار یک واژه با سابقه طولانی را می‌بریم و داخل یک جدول اداری امروز قرار می‌دهیم.

برزن فقط یک خانه در جدول شهر نیست.

برزن گاهی به منطقه شهری نزدیک می‌شود، اما در تاریخ واژه نمی‌توان آن را همیشه برابر با District دانست.

منطقه شهری امروز چگونه کار می‌کند؟

منطقه‌بندی شهری چیز بدی نیست.
برای شهر بزرگ لازم است.

یک شهر چندمیلیونی را نمی‌توان فقط با نام محله‌ها و مسیرهای روزمره اداره کرد.
شهر به تقسیم مسئولیت نیاز دارد.
باید معلوم باشد خدمات کجا ارائه می‌شود، بودجه چگونه تقسیم می‌شود، تراکم کجا کنترل می‌شود، پروژه‌های شهری در چه محدوده‌ای برنامه‌ریزی می‌شوند و کدام بخش از شهرداری مسئول کدام محدوده است.

برای همین، منطقه شهری ابزار مدیریت است.

منطقه به شهر کمک می‌کند خدمات شهری تقسیم شود، مسئولیت‌ها روشن شود، بودجه‌بندی انجام شود، زیرساخت‌ها برنامه‌ریزی شوند و مدیریت شهری قابل پیگیری باشد.

اما مرز اداری، همیشه مرز زندگی نیست.

ممکن است کسی در منطقه ۵ زندگی کند، اما زندگی روزمره خود را با نام یک محله بشناسد.
ممکن است مسیر خرید، مدرسه فرزند، نانوایی، مسجد، پارک، بازارچه یا ایستگاه حمل‌ونقل، برای او مهم‌تر از عدد منطقه باشد.

منطقه برای مدیر شهر واقعی است.
برای ساکن شهر، همیشه کافی نیست.

این تفاوت به معنای نفی منطقه‌بندی نیست.
فقط می‌گوید شهر دو زبان دارد:
زبان اداره شدن و زبان زندگی شدن.

برزن ما را به زبان دوم نزدیک می‌کند.

منطقه شهری برای مدیریت لازم است، اما زندگی مردم همیشه دقیقاً با خط‌های اداری شهر تعریف نمی‌شود.

شهر ایرانی فقط مجموعه ساختمان‌ها نبود

اگر شهر ایرانی را فقط از بالا ببینیم، شاید چیزی شبیه مجموعه‌ای از خانه‌ها، کوچه‌ها، گذرها و فضاهای عمومی به نظر برسد.

اما زندگی شهری فقط از چسبیدن این اجزا به هم شکل نمی‌گرفت.

بافت تاریخی بسیاری از شهرهای ایران، شبکه‌ای از فضاهای نزدیک به زندگی روزمره داشت:

- خانه‌های حیاط‌دار
- گذرهای پیوسته
- کوی‌ها
- بازارچه‌ها
- حمام
- آب‌انبار
- فضاهای جمعی
- میدانگاه‌های کوچک

- مسیرهای سایه‌دار
- نقاط مکث و ملاقات

البته نباید ادعا کنیم هر برزن در هر دوره و هر شهر، دقیقاً همه این عناصر را داشته است.
چنین ادعایی نیاز به سند جداگانه دارد.
اما می‌توان گفت در بسیاری از بخش‌های تاریخی شهرهای ایران، زندگی روزانه از پیوند خانه، مسیر، خدمات محلی و فضاهای جمعی شکل می‌گرفت.

این پیوندها شهر را قابل شناخت می‌کردند.

شهر فقط تقسیم نمی‌شد؛ زندگی در آن سازمان پیدا می‌کرد.

برای همین، وقتی درباره برزن حرف می‌زنیم، نباید فقط دنبال یک مرز باشیم.
باید بپرسیم این واژه چه نوع رابطه‌ای میان فضا، مردم و زندگی شهری را به یاد می‌آورد.

در بافت تاریخی ایران، خانه، گذر و خدمات محلی در کنار هم قلمروهای قابل شناخت زندگی شهری می‌ساختند.

مرز اداری یا قلمرو زیسته؟

اینجا تفاوت اصلی آشکار می‌شود.

مرز اداری روی نقشه تعریف می‌شود.
با عدد، رنگ، بودجه، خدمات و مسئولیت شناخته می‌شود.
کارش این است که شهر را قابل اداره کند.

اما قلمرو زیسته چیز دیگری است.

قلمرو زیسته با زندگی روزانه ساخته می‌شود.
با رفتن و برگشتن.
با دیدن چهره‌های آشنا.
با مسیر مدرسه.
با خرید روزانه.
با نشستن در یک فضای جمعی.
با خاطره یک کوچه.
با حریم نانوشته همسایگی.
با جایی که انسان حس می‌کند آن را می‌شناسد.

قلمرو زیسته همیشه با خط اداری یکی نیست.

ممکن است یک خیابان مرز دو منطقه باشد، اما دو سوی خیابان در زندگی مردم یک قلمرو مشترک بسازند.
ممکن است یک محله در نقشه رسمی به چند بخش تقسیم شده باشد، اما در ذهن ساکنان هنوز یک واحد شناخته‌شده باشد.

برزن، دست‌کم در مقام یک واژه تاریخی برای بخش‌هایی از شهر، می‌تواند ما را وادار کند دوباره درباره این تفاوت فکر کنیم.

آیا شهر فقط همان چیزی است که نقشه تقسیم کرده؟
یا شهر همان چیزی است که مردم در آن حرکت می‌کنند، به یاد می‌سپارند و به آن تعلق پیدا می‌کنند؟

این پرسش برای شهر امروز هنوز زنده است.

قلمرو زیسته با مسیرهای روزانه، شناخت، خاطره و تعلق شکل می‌گیرد؛ نه فقط با خط روی نقشه.

وقتی خود برزن وارد تقسیمات اداری شد

اگر بخواهیم روایت ساده بسازیم، ممکن است بگوییم:

برزن یعنی قلمرو زندگی مردم.
منطقه یعنی مرز خشک اداری.

اما تاریخ این‌قدر ساده نیست.

نقطه جالب ماجرا اینجاست که خود واژه برزن در دوره‌ای از تاریخ معاصر، وارد زبان رسمی تقسیمات شهری شد.
در دوره رضاشاه، از برزن برای تقسیمات رسمی شهرداری شهرها استفاده شد؛ مانند برزن ۱، برزن ۲ و نمونه‌های مشابه.

این نکته مهم است.
چون نشان می‌دهد برزن فقط یک واژه شاعرانه برای شهر قدیم نبوده است.
خودش در یک دوره، وارد دستگاه اداری جدید هم شد.

پس نباید مقاله را به تقابل ساده «برزن خوب / منطقه بد» تبدیل کنیم.

واقعیت دقیق‌تر این است:

یک واژه تاریخی، در دوره‌ای به زبان مدیریت شهری جدید منتقل شد.
در نتیجه، برزن هم می‌تواند در برخی کاربردها به تقسیم اداری نزدیک شود، هم در تاریخ طولانی‌تر خود معنایی گسترده‌تر و متغیرتر داشته باشد.

همین پیچیدگی، ارزش واژه را بیشتر می‌کند.

برزن فقط واژه‌ای برای شهر قدیم نبود؛ در دوره‌ای وارد زبان تقسیمات رسمی شهری هم شد.

پس بالاخره برزن همان منطقه است یا نه؟

بله... و نه.

اگر درباره برخی کاربردهای جدیدتر حرف بزنیم، برزن می‌تواند به منطقه یا District نزدیک شود.
به‌ویژه وقتی در تقسیمات رسمی شهری دوره معاصر به‌صورت شماره‌دار به کار رفته است.

اما اگر درباره تاریخ بلندتر واژه حرف بزنیم، نمی‌توانیم همه کاربردهای برزن را به معنی منطقه اداری امروز کاهش دهیم.

برزن در منابع فارسی به کوچه و محله نزدیک شده است.

در برخی منابع نیز دامنه آن از بخشی از شهر و محله تا کوچه یا خیابان دیده می‌شود.

پس پاسخ دقیق‌تر این است:

برزن گاهی به منطقه نزدیک می‌شود، گاهی به محله، گاهی به کوی و گاهی به بخشی از شهر.
معنای آن را باید در متن تاریخی و کاربردی خودش خواند.

خطا از جایی آغاز می‌شود که یک واژه تاریخی متغیر را در یک تعریف امروزی زندانی کنیم.

همین خطا در بسیاری از بحث‌های معماری و شهرسازی هم دیده می‌شود.
واژه‌ای از گذشته را برمی‌داریم، سریع برایش یک معادل امروز پیدا می‌کنیم، و بعد خیال می‌کنیم مسئله حل شده است.

اما واژه‌های تاریخی معمولاً زندگی طولانی دارند.
با شهرها، حکومت‌ها، زبان‌ها، اسناد و عادت‌های مردم تغییر می‌کنند.

برزن هم از همین جنس است.

برزن، محله و کوی چه تفاوتی دارند؟

برای فهم اولیه، می‌شود این چند واژه را کنار هم گذاشت.
اما این جدول نباید مثل قانون ثابت برای همه دوره‌ها خوانده شود.

واژه	معنای تقریبی	مقیاس احتمالی	احتیاط در خواندن
برزن	بخشی از شهر، محله، کوی یا گذر در کاربردهای مختلف	متغیر	همیشه برابر منطقه یا محله نیست
محله	بخش شناخته‌شده‌ای از شهر با هویت محلی	معمولاً نزدیک به زندگی روزمره	در دوره‌ها و شهرها تفاوت دارد
کوی	گاهی نزدیک به محله، گذر یا محدوده سکونت	کوچک‌تر یا هم‌پوشان	در ترکیب «کوی و برزن» هم می‌آید
منطقه	واحد اداری شهر امروز	معمولاً بزرگ‌تر و مدیریتی	بیشتر برای مدیریت شهری به کار می‌رود

این هم‌پوشانی واژه‌ها نشان می‌دهد که در زبان فارسی، مرز میان این اصطلاح‌ها همیشه مثل جدول‌های شهرسازی امروز سفت و دقیق نبوده است.

این نکته ضعف نیست.
اتفاقاً نشان می‌دهد زبان شهر، همراه با زندگی شهر تغییر می‌کرده است.

واژه‌ها در متن زنده بوده‌اند، نه در کادرهای ثابت اداری.

چرا فراموش شدن برزن مهم است؟

چرا باید امروز درباره برزن حرف بزنیم؟

آیا فقط می‌خواهیم یک واژه قدیمی را زنده کنیم؟

نه.

مسئله، نوستالژی واژه‌ها نیست.

مسئله این است که زبان، شیوه دیدن ما را تغییر می‌دهد.
وقتی یک واژه از زبان شهر حذف می‌شود، ممکن است یک سطح از دقت هم از دست برود.

اگر برای همه بخش‌های شهر فقط چند واژه کلی داشته باشیم، تفاوت‌ها کمتر دیده می‌شوند.
ممکن است دیگر فرق میان منطقه اداری، محله زیسته، گذر آشنا، قلمرو همسایگی و مرکز محلی را به‌خوبی نبینیم.

برزن به ما یادآوری می‌کند که شهر فقط دو مقیاس ندارد:
خانه و کل شهر.

میان این دو، مقیاس‌های دیگری هم وجود دارد.
مقیاس‌هایی که مردم در آن‌ها شهر را زندگی می‌کنند.

- مقیاس گذر
- مقیاس کوی
- مقیاس محله
- مقیاس قلمرو آشنا
- مقیاس خدمات نزدیک
- مقیاس مسیر روزانه

وقتی این مقیاس‌ها را درست نبینیم، شهر یا خیلی بزرگ می‌شود یا خیلی کوچک.
یا فقط خانه می‌بینیم، یا کل شهر.
اما آن لایه‌های میانی که زندگی روزمره در آن‌ها جریان دارد، محو می‌شوند.

فراموش شدن برزن، در این مقاله، نماد همین حذف است.

«نصف عقل شهر را پاک کردیم» یعنی چه؟

این جمله برای کاور اینستاگرام تند و ضربه‌زننده است.

اما در مقاله باید دقیق‌تر توضیح داده شود.

«نصف عقل شهر» یک تعبیر روایی است، نه ادعای عددی یا تاریخی.

منظور این نیست که واقعاً می‌توان عقل شهر را اندازه گرفت و گفت نصف آن حذف شده است.
منظور این است که با حذف یا کم‌رنگ شدن واژه‌هایی مانند برزن، بخشی از دستگاه مفهومی ما برای فهم شهر ضعیف می‌شود.

شهر فقط با ساختمان‌هایش عقل ندارد.
شهر با مقیاس‌هایش فهمیده می‌شود.

با رابطه خانه و گذر.
با پیوند محله و بازارچه.
با مسیر رفت‌وآمد.
با نقاط جمع شدن.
با جایی که مردم آن را می‌شناسند.
با فاصله‌ای که می‌شود پیاده طی کرد.
با مرزی که روی نقشه نیست، اما در ذهن مردم وجود دارد.

اگر همه چیز را فقط با منطقه، زون، بلوک و ناحیه بخوانیم، ممکن است بعضی از این تفاوت‌ها از چشم بیفتد.

پرسش برزن همین است:

مردم شهر را در چه مقیاسی زندگی می‌کنند؟

درس برزن برای شهر امروز چیست؟

برزن برای شهر امروز یک نسخه آماده نیست.

نباید از فردا روی تابلوها بنویسیم «برزن ۵» به جای «منطقه ۵» و خیال کنیم مسئله حل شده است.

تغییر نام، شهر را انسانی‌تر نمی‌کند.
ساختن چند نمای سنتی هم برزن را زنده نمی‌کند.

مسئله در منطق پشت واژه است.

شهر امروز هم به مدیریت نیاز دارد، هم به قلمروهایی که مردم بتوانند آن‌ها را بشناسند، در آن‌ها حرکت کنند و به آن‌ها تعلق پیدا کنند.

این یعنی شهر باید علاوه بر نقشه اداری، مقیاس انسانی داشته باشد.

- مقیاس پیاده
- خدمات نزدیک
- فضاهای جمعی کوچک
- محله‌های خوانا
- مسیرهای قابل‌فهم
- مرکزهای روزمره
- حریم‌های اجتماعی
- نام‌هایی که مردم واقعاً استفاده می‌کنند

بازخوانی برزن یعنی پرسیدن یک سؤال قدیمی از شهر امروز:

شهر را فقط چگونه اداره کنیم؟
یا شهر را چگونه زندگی کنیم؟

این دو پرسش دشمن هم نیستند.
شهر هم مدیریت می‌خواهد، هم تجربه انسانی.
مشکل از جایی شروع می‌شود که یکی جای دیگری را بگیرد.

آیا می‌توان برزن را دوباره زنده کرد؟

بله، اما نه با تقلید ظاهری.

نه با عوض کردن تابلو.
نه با ساختن شهرک‌هایی که فقط چند تاق و آجر دارند.
نه با تبدیل واژه برزن به برچسبی تزئینی.

زنده کردن برزن یعنی دوباره فکر کردن به مقیاس.

به اینکه هر بخش شهر چگونه شناخته می‌شود.
چگونه پیموده می‌شود.
چگونه خاطره پیدا می‌کند.
چگونه خدمات نزدیک دارد.
چگونه با خانه‌ها رابطه می‌سازد.

چگونه مردم در آن حس تعلق پیدا می‌کنند.
چگونه مدیریت رسمی با تجربه روزمره شهروند برخورد می‌کند.

برزن را کپی نکنیم.
منطق پرسش آن را دوباره بخوانیم.

این نگاه برای سکرو مهم است، چون معماری ایرانی فقط در تاق و گنبد و حیاط خلاصه نمی‌شود.
زبان شهر هم بخشی از مهرازی است.
واژه‌ها فقط نام نیستند.
گاهی مسیر فهمیدن فضا هستند.

برزن در یک دقیقه

برزن واژه‌ای تاریخی در زبان فارسی و شهر ایرانی است که برای بخش‌هایی از شهر به کار رفته است.
در منابع، معنای آن به کوچه، کوی، محله، بخشی از شهر و حتی تقسیم رسمی شهرداری در دوره معاصر نزدیک شده است.
بنابراین نمی‌توان آن را همیشه دقیقاً برابر با منطقه، محله یا کوی دانست.
معنای برزن را باید در متن تاریخی خودش خواند.

پرسش‌های پرتکرار درباره برزن

برزن چیست؟

برزن واژه‌ای فارسی برای بخش‌هایی از شهر است.
در منابع مختلف، معنای آن به کوچه، کوی، محله، بخشی از شهر و در دوره‌ای حتی تقسیم رسمی شهری نزدیک شده است.
به همین دلیل، باید آن را وابسته به متن و دوره تاریخی خواند.

آیا برزن همان محله است؟

گاهی به محله نزدیک می‌شود، اما همیشه دقیقاً همان محله نیست.
برزن در برخی کاربردها با کوچه و محله مرتبط است و در برخی کاربردها دامنه گسترده‌تری دارد.

آیا برزن همان منطقه شهری است؟

در برخی کاربردهای جدیدتر، به‌ویژه در دوره رضاشاه، برزن برای تقسیمات رسمی شهرداری شهرها به کار رفت.
اما در تاریخ طولانی واژه، نمی‌توان آن را همیشه برابر با منطقه شهری امروز دانست.

فرق برزن و کوی چیست؟

کوی در برخی کاربردها به محله و برزن نزدیک می‌شود.
ترکیب «کوی و برزن» نیز در فارسی رایج بوده است.
با این حال، نباید این دو واژه را در همه متن‌ها و دوره‌ها کاملاً یکی دانست.

چرا شناخت برزن برای معماری و شهرسازی مهم است؟

چون برزن ما را متوجه مقیاس‌های میانی شهر می‌کند؛
مقیاس‌هایی میان خانه و کل شهر که زندگی روزمره مردم در آن‌ها شکل می‌گیرد.
این مقیاس‌ها همیشه با مرزهای اداری امروز یکی نیستند.

آیا باید امروز به جای منطقه بگوییم برزن؟

نه لزوماً.
مسئله تغییر نام نیست.
مسئله این است که از برزن برای پرسیدن سؤال‌های دقیق‌تر درباره شهر استفاده کنیم:
مردم شهر را در چه مقیاسی می‌شناسند، طی می‌کنند و زندگی می‌کنند؟

در آخر؛ برزن یک پاسخ ساده نیست، یک پرسش مهم است

آیا برزن همان منطقه است؟

گاهی می‌تواند به آن نزدیک شود.
اما همیشه نه.

آیا برزن همان محله است؟

در بعضی کاربردها نزدیک می‌شود.
اما باز هم همیشه نه.

آیا برزن همان کوی است؟

گاهی در کنار آن آمده و با آن هم‌پوشانی دارد.
اما باز هم باید متن را دید.

ارزش واقعی برزن شاید در این نباشد که آن را دقیقاً با کدام واژه امروز برابر کنیم.
ارزشش در این است که ما را از ترجمه سریع بازمی‌دارد و وادار می‌کند شهر را دقیق‌تر بخوانیم.

برزن به ما یادآوری می‌کند که شهر فقط از بالا و روی نقشه فهمیده نمی‌شود.

شهر در مقیاس‌هایی زندگی می‌شود که مردم هر روز از آن‌ها عبور می‌کنند:
خانه، گذر، کوی، محله، قلمرو آشنا، فضای جمعی، و بعد، شهر.

شاید پرسش اصلی این نباشد که شهر را چگونه تقسیم کنیم.

پرسش دقیق‌تر این است:

مردم این شهر را چگونه زندگی می‌کنند؟

سکرو | مرجع آموزش معماری ایرانی

برای دانلود نسخه PDF این مقاله باید **ثبت‌نام** یا **وارد حساب کاربری** شوید.

ورود / ثبت‌نام